

دادگاه قانون اساسی:

مراحل تاریخی پیشرفت و توسعه نظامهای نظارت قانون اساسی^۱

ترجمه و تلخیص: جواد کارگزاری^۳

چکیده

ایجاد و تاسیس نهادهای قضایی عالی جهت تضمین رعایت قانون اساسی و قانون، نوآوری و ابتکار نظامهای حقوقی معاصر به شمار نمی آید، اما تاحدودی مرتبط با توسعه و پیشرفت رعایت قانون اساسی، به ویژه در اروپای قاره‌ای می‌باشد. نظارت قضایی بر تطبیق قوانین با قانون اساسی مراحل چند از توسعه را پشت سر گذاشته است.^۴

کلیدواژه ها: دادگاه قانون اساسی، حقوق شهروندی، حاکمیت، کنترل.

^۱ تاریخ دریافت: ۱۳۸۳/۵/۲۵ تاریخ پذیرش: ۱۳۸۳/۱۲/۱۹

^۲ این متن، ترجمه مطلبی است برگرفته از تارنمای ذیل:

<http://www.concourts.net/tab/introen.html>

^۳ دانشجوی دکتری حقوق عمومی - دانشگاه شهید بهشتی

^۴ ct. Rousseau Dominique, *la justice constitutionnelle en Europe*, Montchrestienm, Paris, 1996, pp.1-10; Favoreu Louis, *Les tribunaux constitutionnelles*, Editorial Ariel. S. A., Barcelona, 1994, p. 137 et al.; Fromont Michel, *La justice constitutionnelle dans Le Monde*, Paris, 1996, pp. 5-38

مقدمه

توسعه و پیشرفت تا جنگ جهانی اول

حقوق آتن باستان میان نوموس^۵ که ممکن است در مفهومی خاص با قوانین اساسی معاصر مقایسه شود و سفیزم^۶، که در حال حاضر می‌توان آن را فرمان نامید، تمایز قایل می‌شود.^۷ اصل بنیادین که به اجرا درمی‌آمد این بود که یک فرمان، صرف‌نظر از محتوای آن، نمی‌تواند با یک قانون چه از لحاظ ماهوی و چه از لحاظ شکلی ناسازگار باشد. عدم انطباق یک فرمان با قانون اساسی دو نتیجه و پیامد را به دنبال داشت. اول این که عضو هیات تقنینی که پیشنهاد فرمان غیر قانونی را داده بود از مسئولیت کیفری برخوردار بود، و این امر حق اقامه دعوی عمومی را در پی داشت. دوم فرمان ناسازگار با قانون باطل تلقی می‌شد. قضات آتنی اگرچه به طور کلی مکلف به رسیدگی به دعوی بر اساس هر دوی قوانین و فرمانها بودند، اما تکلیف آنها در مورد فرمانها تنها تا حدی بود که آنها با قوانین ناسازگار نباشند.

برخی عناصر نظارت قانون اساسی به سال ۱۱۸۰ میلادی، یعنی حکومت قدیمی رایس (آلمان) برمی‌گردد. در ابتدا هیاتهای قضایی مربوطه اختلافات قضایی میان فرمانروایان و تاحدودی تجاوز به حقوق را مورد بحث و رسیدگی قرار می‌دادند. در طول تاریخ نظام حقوقی آلمان برخی عناصر نظارت قضایی تحت اشکال و قالبهای مختلف در حال پیدایش بودند. در نهایت نظارت قضایی به مفهوم امروزی کلمه با قانون اساسی وایمار معرفی شد. در اواسط قرن سیزدهم در فرانسه اشکال ابتدایی نظارت قانون اساسی وجود داشت. پرتغال نظارت قانون اساسی را در قرن ۱۷ میلادی در قانون فیلیپ^۸ پیش بینی نمود. بیشتر پروژه‌های جدی نظارت قانون اساسی/قضایی در قوانین اساسی نروژ، دانمارک و یونان در قرن ۱۹ پدیدار گشت.

در ۱۸۶۷ میلادی دادگاه فدرال اتریش صلاحیت رسیدگی به اختلافات قضایی مربوط به حمایت از حقوق سیاسی فرد در برابر حکومت را به دست آورد. از سوی دیگر دادگاه ایالات در خصوص دعوی مبتنی بر قانون اساسی^۹ رسیدگی می‌نمود.

اگرچه پیش از این برخی عناصر ابتدایی نظارت قانون اساسی در قانون اساسی فدرال سویس (۱۸۴۸ میلادی) قابل مشاهده بود، دادگاه فدرال سویس تنها با اصلاح قانون اساسی در ۱۸۷۴ میلادی از اختیارات گسترده برخوردار گردید.

۴-Nomos

۵- psephisma فرمان صادره از یک مجلس مردمی کهن مانند اکلیزه آتن. اکلیزه (ecclesia) به انجمن سیاسی شهروندان دولت-شهرهای یونان باستان و به ویژه نشستهای دوره‌ای شهروندان آتنی برای اداره امور عمومی (public business) و بررسی امور پیشنهادی شورا اطلاق می‌شود.

۶- Capeletti, M., *The Judicial Process in Perspective*, Chapt. 3, published in 58 Cal. L. Rev.

1017(1970), published also in Beatty D., *Comparative Constitutional Law*, Faculty of Law, University of Toronto, Spring 1994, p. 1-6.

۸- Philip's Code

۹- Staatliche Verfassungsbeschwerde

در نروژ نظارت قانون اساسی ریشه در رویه قضایی دارد که تاریخ آن به ۱۸۹۰ میلادی برمی گردد. رومانی پیش از جنگ جهانی اول با پیروی از الگوی آمریکایی نظارت قانون اساسی را به مرحله اجرا درآورد.

در حالیکه نظام حقوق مدرن انگلیس فاقد نظارت قانون اساسی است، تاریخ حقوق انگلیس در بردارنده برخی عناصر آن می باشد. توضیح آنکه اصل برتری قانون اساسی به ۱۶۱۰ میلادی برمی گردد و برای توسعه نظارت قانون اساسی از اهمیت حیاتی برخوردار می باشد. نمونه دیگر از مشارکت و کمک انگلیس به این پیشرفت و توسعه، استیضاح (اعلام جرم علیه یک مقام دولتی)^{۱۰} می باشد که ریشه در اواخر قرون وسطی دارد. ایده های برتری قانون اساسی و حق نظارت قضایی از انگلستان به ایالات متحده گسترش یافت. در آنجا تقریباً در اواخر قرن ۱۸ میلادی، دیوان عالی قوانین انگلیس را در قلمرو ایالات آمریکای شمالی باطل اعلام نمود. با وجود این بر طبق قانون اساسی ۱۷۸۹ میلادی دیوان عالی به عنوان عالی ترین دادگاه فدرال از هیچگونه اختیارات صریح مبتنی بر قانون اساسی برخوردار نبود. دعوی مشهور «مربری» علیه «مادیسون»^{۱۱} (۱۸۰۳ میلادی) تاثیر قاطع و تعیین کننده ای بر نظارت قانون اساسی به دنبال داشت. در دعوی مزبور دیوان عالی مدعی اختیار نظارت قضایی در ارتباط با انطباق قوانین با قانون اساسی گردید. این موضوع مبنایی برای اجرای اختیار دیوان عالی آمریکا در نظارت قضایی بر قوانین فراهم نمود. اگرچه دعوی مشابه بعدی در این دیوان در سال ۱۸۵۷ میلادی مطرح گردید، اما راه نظارت قانون اساسی بر اقدامات و تدابیر تقنینی قبلاً هموار شده بود.

دیوان عالی آمریکا چند مینا را در عمل برای این نهاد جدید - حمایت قضایی از رعایت قانون اساسی - ایجاد نمود. الگوی نظام آمریکایی نظارت قانون اساسی در ابتدا در برخی کشورهای خاص آمریکای جنوبی پذیرفته شد. برخی از آنها به صراحت حکم این موضوع را در قانون اساسی خود معین نمودند. در اروپا، به جز در برخی کشورهای اسکاندیناوی، نظام نظارت قضایی (غیر مستقیم) رعایت قانون اساسی به دلیل احترام بالای نهادهای قانونگذاری نمی توانست به مرحله اجرا درآید.

از سوی دیگر فرانسه به شدت به این نظر پایبند بود که هیچ نهاد قضایی نباید اختیار و قدرت نظارت بر انطباق قوانین موضوعه با قانون برتر فرضی را داشته باشد. بنابراین قانونگذار به عنوان صدای حاکمیت مردم، بهترین تضمین کننده حقوق بنیادین تلقی می شد. از نقطه نظر توسعه و پیشرفت نظارت قانون اساسی در اروپای قاره ای، فرانسه همواره مخالف این ایده بوده است که اعمال نهادهای عالی و به ویژه هیاتهای پارلمانی، به عنوان نمایندگان حاکمیت ملی، در معرض نظارت قوه قضائیه باشد.^{۱۲}

^{۱۰}- impeachment

^{۱۱}- Marbury V. Madison

^{۱۲}- Capeletti, M., *The Judicial Process in Perspective*, Chapt. 3, published in 58 Cal. L. Rev.

1017(1970), published also in Beatty D., *Comparative Constitutional Law*, Faculty of Law, University of Toronto, Spring 1994, p. 1-7/1-8.

پیشرفت و توسعه در بین دو جنگ

پیشرفت و توسعه در بین دو جنگ تحت عنوان « دوره اتریشی»^{۱۳} مورد اشاره قرار می‌گیرد. قانون اساسی ۱۹۲۰ میلادی پایه و مبنای دادگاه قانون اساسی اتریش را، با پیروی از آثار آدولف مرکل^{۱۴} و هانس کلسن^{۱۵}، نظریه پردازان حقوقی اتریشی، با قدرت انحصاری نظارت بر مطابقت قوانین با قانون اساسی (هر چند در ابتدا تنها با ماهیت پیشگیرانه) مشخص می‌سازد.

به پیروی از الگوی اتریش پیش از جنگ جهانی دوم نظارت قانون اساسی در کشورهای زیر بنیاد نهاد شده: چکسلواکی (۱۹۲۰ میلادی)، لیختن اشتاین (۱۹۲۵ میلادی)، یونان (۱۹۲۷ میلادی)، مصر (۱۹۴۱ میلادی)، اسپانیا (۱۹۳۱ میلادی) و ایرلند (۱۹۳۷ میلادی). جریان اجرای گسترده تر نظارت قانون اساسی به وسیله جنگ متوقف گردید و نهادهایی که قبلاً پایه گذاری شده بودند، در عمل قادر به فعالیت نبودند (به عنوان مثال، از سال ۱۹۳۳ تا ۱۹۴۵ میلادی اتریش و از سال ۱۹۳۸ میلادی چکسلواکی فاقد نظارت قانون اساسی بودند).

توسعه و پیشرفت بعد از جنگ جهانی دوم

از دیدگاه نظری نظارت قانون اساسی هنگامی قادر به توسعه و پیشرفت است که به جای اصل حاکمیت پارلمان^{۱۶}، ایده برتری قانون اساسی حاکم گردد^{۱۷} و نظارت قانون اساسی توسط نهادی خاص، مستقل از قوه مقننه و قوه مجریه، انجام می‌شود.^{۱۸} چنین رویکردهایی مشخصه و ویژگی توسعه و پیشرفت مزبور بعد از جنگ جهانی دوم بود. از سوی دیگر نظارت قانون اساسی همچنین مستلزم اصل تفکیک عمودی قوا می‌باشد. اصل مزبور در کشورهای فدرال پدید آمد، که به موجب آن نظارت قانون اساسی به منظور اجرا و اعمال نظارت بر قانونگذاری فدرال در رابطه با دولتهای عضو در نظر گرفته شده بود. وقوع این امر دارای دلایل تاریخی بود؛ تجربه دردناک جنگ گذشته و فاشیسم این اندیشه را در پی داشت که نظارت قانون اساسی نشانه و ویژگی دموکراسی می‌باشد. همچنین دلایل نهادین و سیاسی وجود داشت؛ نظارت قانون اساسی همچنین باید نشانگر حمایت مؤثر در برابر قوه مقننه و قوه مجریه باشد. مرحله آخر و نهایی [که] تدارک ابزاری جهت تضمین اطاعت و پیروی حکومت از قانون اساسی بود، دادگاه قانون اساسی را از خود قوه مقننه جدا نمود و آن را در کارکرد فعال قضات یا، در برخی نظامها، یک دادگاه قانون اساسی خاص تجسم بخشید.^{۱۹} این کارکرد فعال قوه قضاییه عبارات قانون اساسی را که بر حسب ضرورت مبهم و دوپهلوی می‌باشند عینی تر می‌سازد و به آنها کاربرد عملی می‌دهد. با انجام این کار عبارات ثابت و بی اثر قانون اساسی حیات می‌یابند و خود را با شرایط زندگی روزمره تطبیق می‌دهند. به این طریق است که

^{۱۳}- the Austrian period

^{۱۴}- Adolf Merkl

^{۱۵}- Hans Kelsen

^{۱۳}- جایکه هیات نمایندگی خود درباره انطباق قوانین مصوب خود با قانون اساسی تصمیم گیری می‌کند.

^{۱۴}- جایکه قانون اساسی مبنا و منبع تمام قدرت دولت به شمار می‌رود.

^{۱۵}- نه توسط خود پارلمان، بلکه توسط دادگاه های رسمی یا هیات ویژه، نظیر دادگاه قانون اساسی یا برخی هیاتهای دیگر.

^{۱۶}- Capeletti, M., *The Judicial Process in Perspective*, Chapt. 3, published in 58 Cal. L. Rev.

1017(1970), published also in Beatty D., *Comparative Constitutional Law*, Faculty of Law, University of Toronto, Spring 1994, p. 1-4/1-11.

ارزشهای تجسم یافته در قانون برتر به واقعیات عملی تبدیل می‌شوند. بدین ترتیب این چهارچوب متعلق به قوانین اساسی مدرن و نظارت قضایی، آرمانهای غیرمؤثر و انتزاعی حقوق طبیعی را با مقررات عینی و واقعی حقوق موضوعه ترکیب می‌سازد. به طور خلاصه حقوق طبیعی از طریق دستورگرایی مدرن با به نمایش گذاشتن وضعیتی تاریخی و واقع‌گرایانه، جایگاه جدیدی در اندیشه حقوقی بنیاد نهاده است.

بنابراین بیشتر کشورها از جمله برزیل (دوباره در سال ۱۹۴۶ میلادی)، ژاپن (۱۹۴۷ میلادی)، برمه/میانمار (۱۹۴۷ میلادی)، ایتالیا (۱۹۴۸ میلادی)، تایلند (۱۹۴۹ میلادی)، آلمان (۱۹۴۹ میلادی)، هند (۱۹۴۹ میلادی)، فرانسه (۱۹۵۸ میلادی)، لوکزامبورگ، سوریه (۱۹۵۰ میلادی) و اروگوئه (۱۹۵۲ میلادی) پس از جنگ جهانی دوم نظارت قانون اساسی را به طور مستقیم پذیرفتند (بیشتر حقوق آمریکا دارای این ویژگی شده بود). به علاوه نظارت قانون اساسی با کارآیی عملی مختلف در آسیا، آمریکای جنوبی و مرکزی و آفریقا گسترش یافت.

دوره جدیدی از توسعه و پیشرفت در دهه هفتاد

این دوره با تغییرات سیاسی در برخی کشورهای اروپای جنوبی مشخص می‌شود که در پی الغای دیکتاتوری نظارت قانون اساسی به مرحله اجرا درآمد: یونان (۱۹۶۸ میلادی)، اسپانیا (۱۹۷۸ میلادی)، و پرتغال (۱۹۷۶ میلادی). در این دوره نظارت قانون اساسی همچنین در کشورهای زیر معرفی و پذیرفته شد: مصر (۱۹۶۰ میلادی)، الجزایر (۱۹۶۳ میلادی)، یوگسلاوی سابق (۱۹۶۳ میلادی)، همچنین در اسلونی و دیگر واحدهای فدرال یوگسلاوی سابق (۱۹۶۳ میلادی). در این اثنا برخی نظامهای موجود نظارت قانون اساسی (اتریش، آلمان، سوئد، فرانسه، و بلژیک) بازبینیهای نظاممند را به مرحله اجرا گذاشتند. در نتیجه تغییرات و دگرگونیهای سیاسی و اجتماعی در دهه هشتاد، نظارت قانون اساسی در بسیاری از کشورهای آمریکای مرکزی و جنوبی نیز شروع به تغییر نمود. در آن بخش از جهان جایگاه ویژه‌ای به آرژانتین اختصاص داده شد که فرایند تغییر و دگرگونی دمکراتیک در یک کشور فدرال ابتدا در واحدهای آن آغاز گشت. پذیرش تدریجاً فزاینده عناصر نظارت قانون اساسی دارای شدت و حدت متفاوت توسط ایالات، نشانه این امر بود.

پذیرش نظارت قانون اساسی در کشورهای دمکراتیک جدید

پیشرفتهای بعدی شامل پذیرش نظارت قانون اساسی در کشورهای اروپای مرکزی و شرقی و در کشورهای مستقل مشترک المنافع می‌باشد.^{۲۰} معرفی و پذیرش نظارت قانون اساسی مستلزم تجزیه اصل قبلی وحدت قوا می‌باشد، که در پرتو آن نظامهای سوسیالیستی وقت معمولاً فاقد نظارت قانون اساسی بودند. در گذشته تنها استثنای یوگسلاوی

^{۲۰} - لهستان (۱۹۸۲ میلادی)، قبال در اتحاد جماهیر شوروی (۱۹۸۸ میلادی)، رومانی (۱۹۹۱ میلادی)، آلبانی (۱۹۹۲ میلادی)، بلغارستان (۱۹۹۱ میلادی)، لیستوانی (۱۹۹۲ میلادی)، استونی (۱۹۹۲ میلادی)، مجارستان (اولین کوشش در سال ۱۹۸۴ میلادی، به طور قطعی در سال ۱۹۸۹ میلادی)، جمهوری چک (۱۹۹۲ میلادی)، اسلونی (دادگاه قانون اساسی جدیداً تاسیس شده توسط قانون اساسی ۱۹۹۱ میلادی)، کرواسی (۱۹۹۱ میلادی)، بعد از سال ۱۹۹۱ میلادی ارمنستان، آذربایجان، بلاروس، بوسنی، گرجستان، قزاقستان، لتونی، مقدونیه، مالدوای، مغولستان، مونتنگرو، صربستان، جمهوری صرب بوسنی، تاجیکستان، اکراین، ازبکستان، همچنین واحدهای فدرال فدراسیون روسیه (آدیگا، آلتای، باسکیریا، بوریاتی، چچن، چوچیا، داجستن، اینگوش، ابلاست ایرکوتسکا، جمهوری کباردینو-بالکار، کاکاسا، جمهوری کراچانو-چرکز، کارلیا، خالموک، کوما، ماری-یی، اوستیای شمالی، تاتارستان، توبا، آدمورتیا، یا کوتیا).

سابق بود که در سال ۱۹۶۳ میلادی نظارت قانون اساسی را در نظام حقوقی خود پذیرفت. کشور مزبور در این امر از الگوی اتریش یا آلمان و چکسلواکی پیروی نمود که نظارت قانون اساسی در سال ۱۹۶۸ میلادی در آن بنیاد نهاده شده بود اما در عمل فعالیتی نداشت.

الگوهای نظارت قانون اساسی / قضایی

دادگاه قانون اساسی نهاد ویژه ای است که به عنوان مسئول حمایت از رعایت قانون اساسی از برتری حقوقی خاصی در ارتباط با دیگر قوا برخوردار است. نظارت دادگاه مزبور شامل تمام اعمال تقنینی می شود که عالی ترین اسناد حقوقی نظام حقوقی و سیاسی خاص می باشند. جایگاه نهاد واقعی دارای اختیار و قدرت انجام نظارت قانون اساسی تنها باید در دست نهادی باشد که در نظام خاص تفکیک قوا از رابطه محدود کننده ای نسبت به قوه مقننه (پارلمان) برخوردار باشد و بتواند قوانین مصوب دستگاه تقنینی را باطل اعلام نماید. دادگاه قانون اساسی نهادی قضایی است که با توجه به اختیارات تصمیم گیری خاص و انحصاری در مورد مسائل قانون اساسی تشکیل می شود. این نهاد در خارج از نظام دادگاه های عادی قرار می گیرد و از دیگر شاخه های نهادهای دولتی کاملاً مستقل می باشد. هر نظام خاص می تواند بر اساس الگوی مشترکی از ساختار دادگاه قانون اساسی با توجه به مؤلفه های اساسی زیر طبقه بندی شود:

لایحه توجیهی (/پرونده) دادگاه قانون اساسی ...

کشور:

عنوان:

سال تاسیس:

محل تشکیل:

I- گاه شمار وقایع

۱- تاریخ و زمینه تاسیس

۲- جایگاه در سلسله مراتب دادگاه ها

II- منبع و سند حقوقی معیار

۱- قانون اساسی ...

۲- قانون دادگاه قانون اساسی ...

۳- قواعد رسیدگی ...

۴- دیگر قواعد داخلی

III- ترکیب و سازماندهی

۱- ترکیب

۱-۱ - تعداد قضات:

۲-۱ - هیات انتخابی/انتصابی:

۱-۲-۱- نظام مبتنی بر انتصاب (بدون مشارکت هیات نمایندگی):

- ۱-۲-۲- نظام مبتنی بر انتخاب:
 - ۱-۲-۳- نظامهای مختلط (انتصاب و انتخاب):
 - ۱-۲-۴- ترکیب از پیش تعیین شده از مقامات عالی قضایی:
 - ۱-۳-۳- اعضای دادگاه:
 - ۱-۳-۱- دوره تصدی:
 - ۱-۴-۱- رییس دادگاه
 - ۱-۴-۱- دوره تصدی:
 - ۱-۵- شرایط و تجربه حرفه‌ای لازم برای قضات دادگاه قانون اساسی:
 - ۱-۶- موارد مانع الجمع:
 - ۱-۷- مصونیتها:
 - ۱-۸- فراغت از کار پیش از انقضا دوره تصدی:
 - ۲- جریان رسیدگی
 - ۲-۱- رسیدگی با حضور کلیه اعضا:
 - ۲-۱-۱- حد نصاب:
 - ۲-۲- رسیدگی غیر علنی:
 - ۲-۲-۱- حد نصاب:
 - ۲-۳- رای مخالف / موافق:
 - ۲-۴- رسیدگی علنی:
 - ۲-۵- جلسه داخلی:
 - ۳- سازماندهی
 - ۳-۱- استقلال اداری:
 - ۳-۲- بودجه:
 - ۳-۳- خدمات اداری:
 - ۳-۴- دبیرخانه:
 - ۳-۵- خدمات مالی:
 - ۳-۶- خدمات خاص:
 - ۳-۶-۱- مرکز اطلاعات حقوقی:
 - ۳-۶-۲- کتابخانه حقوقی:
 - ۳-۶-۳- مشاوره حقوقی:
 - ۳-۶-۴- کارمندان اداری:
- IV- اختیارات
- ۱- نظارت دادگاه قانون اساسی

۱-۱- نظارت پیشگیرانه:

۱-۲- نظارت پسینی:

۱-۲-۱- نظارت تجربیدی:

۱-۲-۲- نظارت عینی:

۲- دیگر اختیارات

۱-۲-۱- شکایات مبتنی بر قانون اساسی:

۲-۲- اختلافات مربوط به صلاحیت:

۲-۳- عدم انطباق اقدامات و فعالیتهای احزاب سیاسی:

۲-۴- اتهامات علیه رییس جمهوری:

۲-۵- اتهامات علیه نخست وزیر یا علیه هر وزیر دولت:

۲-۶- مسائل انتخاباتی:

۲-۷- همه پرسنها:

۲-۸- دیگر موضوعاتی که دادگاه بر اساس قانون اساسی یا قانون موضوعه عهده دار آن می باشد:

۳- حضور در مقابل دادگاه قانون اساسی

۳-۱- سازمانها و هیاتهای دولتی:

۳-۲- افراد:

V- ماهیت و اثرات تصمیمات

۱- قطعیت:

۲- اثر الزام آور:

۲-۱- عام الشمول:

۲-۲- برای طرفین:

۳- به اعتبار سمت و مقام:

۴- دستور موقت:

۵- لغو کلی یا جزئی:

۵-۱- تاثیر فوری یا در یک دوره زمانی:

۶- ابطال کلی یا جزئی:

۷- پیامدهای تصمیمات، ادعاهای خسارت:

۸- اعلام عدم انطباق با قانون اساسی و قانون:

۹- قصورات تقنینی:

۱۰- لغو یک عمل کلی، عطف به ماسبق کننده یا مربوط به آینده، به هنگام تصمیم گیری درباره شکایت مبتنی

بر قانون اساسی:

۱۱- تصمیم گیری قطعی درباره حق یا آزادی انسانی بر اساس شکایت مبتنی بر قانون اساسی:

۱۲- تعیین هیات صلاحیتدار:

۱۳- استیضاح:

۱۳-۱- اعلام عدم اعتبار پیشنهاد استیضاح:

۱۳-۲- تصمیم گیری درباره مبنای استیضاح / تصمیم گیری درباره خاتمه دوره تصدی رؤسای جمهور / نخست وزیران / وزرا:

۱۴- ابطال اقدام/فعالیت مغایر با قانون اساسی یک حزب سیاسی یا دستور حذف از دفتر ثبت احزاب سیاسی قانونی:

۱۵- ابطال تصمیمات مجلس ملی و احکام مربوط به انتخاب نمایندگان:

۱۶- نظرات لازم الاجرا درباره مطابقت معاهدات بین المللی با قانون اساسی:

۱۷- اظهار نظر درباره پیشنهاد انجام همه پرسی از حیث مطابقت با قانون اساسی:

۱۸- دیگر اشکال تصمیمات:

VI- انتشار تصمیمات دادگاه قانون اساسی

۱- روزنامه رسمی:

۲- مجموعه قوانین رسمی:

۳- مجلات حقوقی:

۴- نشر الکترونیکی:

۵- دیگر اشکال:

VII- نظام اطلاعات حقوقی

از نقطه نظر سازمانی، می توان میان الگوهای متفاوت نظارت قانون اساسی / قضایی به شرح زیر تمایز و تفاوت قابل شد:

الگوی نظارت قضایی «آمریکایی» (مبتنی بر دعوی مربری (۱۸۰۳)، بررسی شده توسط دیوان عالی ایالات متحده، و مبتنی بر نظریه مارشال)، که به موجب آن مسائل مربوط به قانون اساسی بر طبق آیین رسیدگی دادگاه های عادی و توسط آنها (نظارت غیر متمرکز یا پراکنده یا بخش بخش شده) مورد رسیدگی قرار می گیرد (اتفاقی). نظارت مزبور نظارت خاص و پسینی می باشد، که به موجب آن دیوان عالی یکپارچگی صلاحیت در نظام را فراهم می سازد. در نظام پراکنده تصمیمات به مثابه یک حکم تنها در مورد طرفین مؤثر می باشند (با استثنا اصل تبعیت دادگاه از رویه تعیین شده در موارد قبلی که به موجب آن دادگاه در آینده از تصمیم و رای اتخاذ شده پیروی می کنند). به طور کلی تصمیم راجع به عدم انطباق یک قانون با قانون اساسی اعلامی و عطف بماسبق شونده است، یعنی ex tunc (یا نتایج pro praeterito). این نظام توسط کشورهای زیر پذیرفته شده است:

- در اروپا: دانمارک، استونی، ایرلند، نروژ، سوئد؛

- در آفریقا: بوتسوانا، گامبیا، غنا، گینه، کنیا، مالاوی، نامیبیا، نیجر، سیشلز، سیرالئون، سوآزیلند، تانزانیا؛
- در خاور میانه: ایران، اسرائیل؛
- در آسیا: بنگلادش، فیجی، هنگ کنگ (تا ۱ ژولای ۱۹۹۷ میلادی)، هند، ژاپن، کیریباتی، مالزی، ایالات فدرال ماکرونزی، نائورو، نپال، نیوزیلند، پالو^{۲۱}، پاپوآ گینه جدید، سنگاپور، تبت^{۲۲}، تونگا، وانواتو^{۲۳}، ساموآی غربی؛
- در آمریکای شمالی: کانادا، آمریکا؛
- در آمریکای مرکزی و جنوبی: آرژانتین، باهاماس، باربادوس، بلیز، بولیوی، دومینیکا، جمهوری دومینیک، گرنادا، گویان، هائیتی، جامائیکا، مکزیک، سن کریستوفر / نویس^{۲۴}، ترینیداد و توباگو؛

الگوی جدید کشورهای مشترک المنافع (بریتانیا) (موریس) نه می تواند بر طبق الگوی آمریکایی و نه بر طبق الگوی اروپایی طبقه بندی شود. این الگو با نظارت متمرکز قانون اساسی تحت صلاحیت دیوان عالی متشکل از قضات عادی بدون انتصاب سیاسی توصیف می شود؛ علی القاعده شامل نظارت (پیشینی) پیشگیرانه و کارکرد مشورتی دیوان عالی می باشد. اگرچه نظارت (پسینی) سرکوبگر نیز امکان پذیر می باشد، تصمیمات اتخاذ شده دارای اثر عام الشمول می باشند.

الگوی (نظارت قانون اساسی - قاره ای) «اتریش» مبتنی بر الگوی ۱۹۲۰ کلسن، شامل پیوند متقابل اصل برتری قانون اساسی و اصل برتری پارلمان است. به موجب آن مسائل قانون اساسی توسط دادگاه تخصصی قانون اساسی و توسط قضات ویژه و شایسته یا توسط دیوانهای عالی معمولی یا دادگاه های عالی یا شعب خاصشان (نظارت متمرکز قانون اساسی) و با آیین دادرسی ویژه^{۲۵} مورد رسیدگی قرار می گیرد. اگرچه نظارت عینی نیز امکان پذیر است، علی القاعده نظارت مزبور نظارت تجربیدی می باشد. علاوه بر نظارت پسینی، نظارت پیشینی نیز پیش بینی شده است. تصمیمات با توجه به اقتدار مطلق نهادی که آنها را اتخاذ کرده است، دارای اثر عام الشمول می باشند. هیاتهای اجرا کننده نظارت قانون اساسی ممکن است به دو صورت زیر باشند:

دادگاه های قانون اساسی

^{۲۱}- Palau

۱۹- بر طبق منشور تبتهای در تبعید ۱۴ ژولای ۱۹۹۱ میلادی

^{۲۳}- Vanuatu

^{۲۴}- St.Christopher/Nevis

^{۲۵}- principaliter

- در اروپا: آلبانی، آندورا، اتریش، بلاروس، فدراسیون بوسنی و هرزگوین (با دادگاه قانون اساسی واحدهای فدرال بوسنی و هرزگوین و جمهوری صرب بوسنی)، بلغارستان، کرواسی، جمهوری چک، FRY (با دادگاه های قانون اساسی جمهوریهای مؤسس صرب و مونتنگرو)، آلمان (با دادگاه های منطقه ای قانون اساسی: بادن-وُتمبرگ، باواریا، برنبرگ، برمن، هامبورگ، هسن، نیدر ساچن، نوردهین-وستفالی، ریندلند-پفالز، سارلند، ساچسن، ساچسن-انهالت)، مجارستان، ایتالیا، لتونی، لیتوانی، لوکزامبورگ، مقدونیه، مالت، مولداوی، لهستان، رومانی، فدراسیون روسیه (با دادگاه های قانون اساسی واحدهای فدرال: آدیگا، آلتای، باسکیریا، بوریاتی، چچن، چوچیا، داجستن، اینگوش، اُبلست ایرکوتسکا، جمهوری کباردینو-بالکار، کاکاسا، جمهوری کراچائو-چرکز، کارلیا، خالموک، کوما، ماری-یی، اوستیای شمالی، تاتارستان، توبا، آدمورتیا، یاکوتیا/ساخا)، اسلواکی، اسلونی، اسپانیا، ترکیه، اکراین؛
- در آفریقا: آنگولا، بنین، بروندی، جمهوری مرکزی آفریقا، مصر، گینه استوایی، گابون، ماداگاسکار، مالی، رواندا، آفریقای جنوبی، توگو؛
- در خاور میانه: قبرس، عراق سابق، فلسطین، سوریه؛
- در آسیا: ارمنستان، آذربایجان، گرجستان، قرقیزستان، مונگولیا، کره جنوبی، سری لانکا، تاجیکستان، تایلند، ازبکستان (با کمیته قانون اساسی منطقه ای جمهوری کاراکالپاکستان)؛
- در آمریکای مرکزی و جنوبی: شیلی، سورینام، استان تاکومان (آرژانتین) با قانون اساسی آوریل ۱۹۹۰ میلادی تاکومان؛

دادگاه های عالی یا شعب ویژه

- در اروپا: بلژیک (دادگاه داور)، ایسلند، لیختن اشتاین، موناکو، کوزوو (FRY)؛
- در خاور میانه: یمن؛
- در آفریقا: بورکینافاسو، کامرون، چاد، اریتره، نیجر، سودان، اوگاندا (۱۹۹۵ میلادی)، زئیر، زامبیا؛
- در آسیا: فیلیپین؛
- در آمریکای مرکزی و جنوبی: کاستاریکا، نیکاراگوئه، پاناما، پاراگوئه، اروگوئه؛

شورای قانون اساسی

- در خاور میانه: لبنان؛
- در آفریقا: سنگال؛
- در آسیا: کامبوج، قزاقستان؛
- نهادهای مبتنی بر الگوی اروپایی نظارت قانون اساسی در ویژگیهای مشترک زیر سهیم می باشند:
- نظارت قانون اساسی بر اساس شرایط مختلف و بسته به نظام ملی خاص بنیاد نهاده می شود؛

- نهادهای نظارت قانون اساسی که از نظر سازمانی مستقل می باشند، در خارج از قوه قضائیه قرار دارند؛
- در جریان رسیدگی به دنبال شکایت مبتنی بر قانون اساسی جدایی نظارت قانون اساسی از دادگاه های عادی مشکلاتی را ایجاد می کند؛
- جایگاه قانون اساسی (استقلال اداری و مالی) پیش شرط استقلال دادگاه می باشد؛
- انحصار نظارت قانون اساسی، تمرکز اختیارات در یک نهاد، غالباً با قدرت لغو قوانین مصوب پارلمان؛
- قضات دادگاه قانون اساسی توسط هیاتهای برخوردار از قدرت سیاسی تعیین می شوند؛
- ماهیت خاص صلاحیت؛ تصمیمات دارای ماهیت حقوقی و سیاسی هستند اگرچه ممکن است همچنین دارای کارکردی صرفاً مشورتی باشند؛
- نظارت غالب قانون اساسی بر قوانین
- به طور کلی چنین نظارتی سرکوبگر می باشد، اگرچه تا حد کمی نظارت قانون اساسی دارای ماهیت پیشگیرانه می باشد.

الگوی ترکیبی (آمریکایی قاره ای) با عناصری از نظام پراکنده و متمرکز؛ علیرغم قدرت نظارت قانون اساسی دادگاه مرکزی قانون اساسی یا دیوان عالی کشور (یا شعب ویژه آن)، تمام دادگاه های عادی در کشوری خاص می توانند از اجرای قوانینی که به نظر مطابق با **قانون اساسی** نمی باشند، خودداری نمایند:

دادگاه های قانون اساسی:

- در اروپا: پرتغال:
- در آمریکای مرکزی و جنوبی: کلمبیا، اکوادور، گواتمالا، پرو.

دادگاه های عالی یا بخشهای ویژه

- در اروپا: یونان، سوئیس (با توجه به این واقعیت که در نظام سوئیس- نظام دارای نظارت قانون اساسی محدود- دیوان فدرال سوئیس نمی تواند قوانینی فدرال، تصمیمات به طور کلی الزام آور و قراردادهای بین المللی مصوب را مورد ارزیابی و سنجش قرار دهد) اصل برتری در سطح فدرال وجود دارد؛
- در آسیا: اندونزی، تایوان؛
- در آفریقا: کیپ ورد (رأس الاخضر)؛
- در آمریکای مرکزی و جنوبی: برزیل، السالوادور، هندوراس، و ونزوئلا.

الگوی (قاره‌ای) «فرانسه» (مبتنی بر الگوی شورای قانون اساسی^{۲۶} فرانسه ۱۹۵۸)، که مسائل قانون اساسی توسط هیاتهای خاص نظارت قانون اساسی (بیشتر اوقات شورای قانون اساسی) یا شعب ویژه دیوانهای عالی عادی (نظارت متمرکز قانون اساسی) با آیین رسیدگی خاص بررسی می شوند؛ مشروط بر اینکه نظارت قانون اساسی عمدتاً دارای ویژگی (مشورتی) پیشگیرانه باشند (هر چند این نظامها همچنین از یک شکل سرکوبگر نظارت قانون اساسی برخوردار می باشند، به ویژه با توجه به مسائل انتخاباتی):

- در اروپا: فرانسه؛
- در آفریقا: الجزایر، کومور، جیبوتی، ساحل عاج، مورو کو، و موزامبیک.

دیگر هیاتهای برخوردار از قدرت نظارت قانون اساسی/قضایی (شورای ملی، پارلمان یا هیاتهای تخصصی پارلمانی، و غیره):

- در اروپا: فنلاند؛
- در خاورمیانه: بحرین، کویت، عمان؛
- در آفریقا: کونگو، اتیوپی، گینه بیسائو، سائو توم و پرنسپ^{۲۷}، تونس، زیمبابوه؛
- در آسیا: افغانستان، برونئی، برمه/میانمار، چین (همچنین هنگ کنگ بعد از ۱ ژوئیه ۱۹۹۷ میلادی)، لائوس، کره شمالی، پاکستان، ترکمنستان، ویتنام؛
- در استرالیا؛
- در آمریکای مرکزی: کوبا.

نظامهای فاقد نظارت قانون اساسی / قضایی

- در اروپا: بریتانیای کبیر^{۲۸}، هلند^{۲۹}؛
- در آفریقا: لستو، لیبیا، و لیبی^{۳۰}.

نهادهای قضایی بین المللی برخوردار از برخی کارکردهای نظارت قانون اساسی:

- دادگاه اروپایی حقوق بشر در استراسبورگ (برای شاکی و خواهان اروپایی)؛

^{۲۶}- Conseil Constitutionnel

^{۲۷}- Sao Tome and Principe

^{۲۵}- هر چند اختیارات مجلس اعیان شامل برخی عناصر نظارت پیشینی قانون اساسی می باشد.

^{۲۶}- در رابطه با نظام هلند، استثنائاتی چند راجع به اختیارات دیوان عالی در خصوص تصمیم گیری درباره دعوی مربوط به نهادهای اتحادیه اروپا وجود دارد.

^{۲۷}- با وجود این، برخی کارکردهای نظارت قانون اساسی ممکن است توسط دیوان عالی لیبی انجام شود که عضو گروه عرب دادگاه های قانون اساسی و شوراهای قانون اساسی است.

- دادگاه جامعه اروپا در لوکزامبورگ (برای دعوی حقوقی منجر به لغو؛ دعوی حقوقی علیه قصور شورای وزیران یا کمیسیون جامعه اروپا؛ حل موضوعات قبلی به عنوان نظارت عینی در پی درخواست دادگاه دولت عضو؛
 - دادگاه EFTA ژنو (برای حل و فصل اختلافات میان دولتهای عضو EFTA، نظارت عینی درخواست شده توسط دادگاه دولت عضو)؛
 - کمیسیون و دیوان بین آمریکایی حقوق بشر^{۳۱}
 - دیوان عدالت مذکور در توافقنامه کارتاژنا^{۳۲}
 - دیوان عدالت آمریکای مرکزی مانند دادگاه قانون اساسی آمریکای مرکزی^{۳۳}.
 - دادگاه آفریقایی حقوق بشر
- با توجه به چنین نهادهای بین المللی، اغلب این سؤال مطرح می شود که نقش این نهادها و نقش نهادهای ملی نظارت قانون اساسی/قضایی راجع به رابطه قانون فراملی (به عنوان مثال، قانون جامعه اروپا) در مقابل نظامهای حقوقی ملی مبتنی بر سنت دوگانه گرا^{۳۴} و یا وحدت گرا^{۳۵} چیست.

^{۳۱}- Comision y la Corte Interamericanas de los Derechos Humanos

^{۳۲}- Tribunal de Justicia del Acuerdo de Cartagena

^{۳۳}- La Corte Centroamericana de Justicia como Tribunal Constitucional de Centroamerica

^{۳۴}- در کشورهای زیر، از لحاظ رتبه در جایگاه برتر و عالی نیست، اما از یک ویژگی خاص فراملی برخوردار است: دانمارک، آلمان، ایتالیا، پرتغال.

^{۳۵}- در کشورهای زیر برتری قانون فراملی بر قانون ملی پذیرفته شده است: بلژیک، فرانسه، لوکزامبورگ، هلند، اسپانیا.